

Investigating the mediating role of attachment styles to parents and peers in predicting aggression and social self-efficacy among adolescents referred to healthcare centers in Zahedan

Mahvash Raghibi¹, Hanieh Sheikh², Yaser Shamsollahzadeh³, Morteza Jalambadani³

¹ Psychologist, Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

² MA Student of General Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

³ MA of General Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Abstract

Background: This study aimed to examine the mediating role of attachment styles to parents and peers in predicting aggression and social self-efficacy among adolescents.

Materials and methods: This was a descriptive-correlational (predictive) study that regarded as an applicable study in terms of its objective. The statistical population included all adolescents referred to healthcare centers in Zahedan whom based on the latest statistics, were more than 190 adolescents. Using Morgan's table, the sample size was determined 122 people. A convenience sampling method was applied to select the sample and the measurement tools were the Armsden and Greeberg Inventory of Parent and Peer Attachment (1987), the Buss and Perry Aggression Questionnaire (1992), and the Connolly Scale of Social Self-Efficacy (1989). Research hypotheses were analyzed using the stepwise regression analysis via SPSS ver.22.

Results: Among the components of attachment to peers and parents, in the first step, feeling alienated with peers explained 11% of the variance and, in the second step, feeling alienated with parents explained 18% of the variance in aggression among the adolescents at the confidence level of 0.99. Additionally, among the components of attachment to peers, only the component of communication with peers predicted 2.5% of the variance in social self-efficacy at confidence level of 0.95.

Conclusion: Attachment to parents and peers is one of the important factors contributing to aggression and social self-efficacy among adolescents.

Keywords: *Attachment styles, Aggression, Social self-efficacy.*

Cited as: Raghibi M, Sheikh H, Shamsollahzadeh Y, Jalambadani M. Investigating the mediating role of attachment styles to parents and peers in predicting aggression and social self-efficacy among adolescents referred to healthcare centers in Zahedan. Medical Science Journal of Islamic Azad University, Tehran Medical Branch 2021; 31(3): 358-365.

Correspondence to: Hanieh Sheikh

Tel: +98 9360178433

E-mail: sfarahnaz33@yahoo.com

ORCID ID: 0000-0002-5074-9445

Received: 5 Jan 2021; **Accepted:** 22 Jun 2021

بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان در پیش بینی پرخاشگری و خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان مراجعه کننده به مراکز درمانی شهر زاهدان

مهوش رقیبی^۱، هانیه شیخ^۲، یاسر شمس اله زاده^۳، مرتضی جلمبادانی^۳

^۱ روانشناس، دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

^۳ کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

چکیده

سابقه و هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان در پیش بینی پرخاشگری و خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان بود.

روش بررسی: این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی (پیش بین) و از لحاظ هدف کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش کلیه نوجوانان مراجعه کننده به مراکز درمانی در شهر زاهدان بودند که برابر آخرین آمار، ۱۹۰ نفر بودند که با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه ۱۲۲ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری به صورت در دسترس و ابزار مورد استفاده، پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان ارمسدس و گرینبرگ (۱۹۸۷)، پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) و پرسشنامه خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان کنلی (۱۹۸۹) بودند. فرضیه‌های پژوهش در نرم افزار SPSS ۲۲ با استفاده از آزمون آماری رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از میان مولفه‌های سبک‌های دلبستگی به همسالان، در گام اول مولفه احساس بیگانگی با همسالان، ۰/۱۱ درصد واریانس و در گام دوم احساس بیگانگی با والدین ۰/۱۸ درصد واریانس پرخاشگری را در سطح اطمینان ۰/۹۹ در نوجوانان پیش بینی کرد. همچنین از میان مولفه‌های مربوط به سبک‌های دلبستگی به همسالان، فقط مولفه ارتباط با همسالان ۰/۲۵ درصد واریانس خودکارآمدی اجتماعی را در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد پیش بینی کرد.

نتیجه گیری: دلبستگی به والدین و همسالان از جمله عوامل مهمی است که در پرخاشگری و خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان نقش دارد. **واژگان کلیدی:** سبک‌های دلبستگی، پرخاشگری، خودکارآمدی اجتماعی.

مقدمه

دوره نوجوانی یکی از مهم‌ترین دوران زندگی انسان به شمار می‌رود و این دوران به دلیل ویژگی منحصر به فرد دوره تحولی خود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دوران فرایندهای زیستی، شناختی و روانی و اجتماعی با جهش قابل توجهی دستخوش تغییر و تحول می‌شود (۲۰۱). در این

میان نقش خانواده حائز اهمیت بسـیاری است. کارکردهای ناسالم خانواده می‌تواند زمینه‌ساز بروز و یادگیری رفتارهای نابهنجار نوجوان از جمله پرخاشگری باشد (۳). شیوع پرخاشگری در نوجوانان از ۸ درصد تا ۲۰ درصد گزارش شده است. یافته‌های مطالعه‌ای در یاسوج شیوع پرخاشگری را در نوجوانان ۳۲/۲ درصد گزارش کرده است (۴). به نظر می‌رسد

که پرخاشگری با متغیرهای نوع خانواده، نوع ازدواج، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، وضعیت شغلی، سطح تحصیلات، سن و باورهای مذهبی رابطه معنی‌داری دارد (۵). پرخاشگری را نمی‌توان به طور خاص به یک سن و دوره زمانی خاص مرتبط دانست، اما می‌توان بیشترین بروز پرخاشگری را به دوره نوجوانی و جوانی نسبت داد. عدم کنترل پرخاشگری در این دوران سبب بروز عوارض جسمی، اجتماعی و روانی نوجوان می‌شود. پرخاشگری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده استفاده از مواد مخدر و الکل، کشیدن سیگار، سازگاری کم در مدرسه، اخراج از مدرسه، احساس درماندگی، ناسازگاری اجتماعی، تنهایی، بی‌توجهی به حقوق و خواسته دیگران، زخم معده، اختلال فشار خون و افسردگی باشد (۶). خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نخستین پایگاه ارتباطی با فرزندان محسوب می‌شود و نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان فرزندان ایفا می‌کند. در این زمینه یکی از مسائل مهمی که بر رشد نوجوانان تأثیر می‌گذارد، تعاملات با والدین است (۷)، که آن را اساس تحول عاطفی می‌دانند و از آن با نام سبک‌های دلبستگی یاد می‌کنند (۸). سبک‌های دلبستگی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات بین فردی است که روشهای مواجهه‌ی فرد با موقعیت‌های تنش‌زا را متأثر می‌سازد (۹). سبک‌های دلبستگی می‌توانند سطوح تنش و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل نموده و اثرات منفی تنش را کم‌رنگ‌تر جلوه دهند (۱۰). سبک دلبستگی ایمن، عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل می‌کند و موجب ارتقای رفتار اجتماعی و گسترش مقاومت روانی می‌شود. افراد با دلبستگی ایمن، سطح بالاتری از اعتماد و رضایت و سطح پایین‌تری از تعارضات دارند، در حالی که افراد با دلبستگی دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بالاتر و افراد با دلبستگی اجتنابی با رضایت و صمیمیت کمتر و تعارضات بیشتر مشخص می‌شوند (۱۱). دلبستگی با تأکید بر اهمیت پیوندهای عاطفی در روابط بیان می‌کند که کودکان بر اساس تجارب اولیه خود با مراقبان یا والدین، طرحواره‌های ذهنی از خود و دیگران را تشکیل می‌دهند (۱۲) و با تأکید بر اهمیت این تعامل و تجارب، می‌توان بیان کرد که آنچه برای سلامت روانی کودک ضرورت دارد، امکان تجربه یک رابطه صمیمی، گرم و مداوم با والدین، یا مراقب و جانشین دائم او است. بسیاری از اشکال روان‌آزردگی و اختلال شخصیت در نوجوانان حاصل محرومیت کودک از مراقبت‌های والدینی یا عدم ثبات در روابط کودک با فردی است که به او دلبستگی دارد (۱۳). بر همین اساس، می‌توان گفت که ضعف در دلبستگی کودک، مشکلات رفتاری

و از جمله پرخاشگری را در دوره نوجوانی پیش‌بینی می‌کند (۱۴). ویلیامز و کلی (۲۰۰۵) در پژوهش خود نشان دادند که نوجوانانی که تعامل کمتری با والدین خود دارند، دارای مشکلات ناسازگاری زیادی هستند و مشکلات رفتاری بیشتری از خود نشان می‌دهند (۱۵، ۱۶). مسئله مهم دیگر آن است که در دوران نوجوانی و جوانی ضمن افزایش فاصله عاطفی بین والدین و نوجوانان، تعدد "دیگران مهم" نیز دیده می‌شود و دامنه آن به دوستان و همسالان نیز گسترش می‌یابد (۷). آنها به عنوان منبع اطلاعات، تقویت‌کنندگی و ارائه‌دهندگان الگوهای اجتماعی برای نوجوانان مطرح می‌شوند. به عبارتی دیگر گروه همسالان و دوستان بستر مهمی برای رشد نوجوان هستند و ارتباط با آنها به درک دیدگاه دیگران و آگاهی از خود و دیگران در نوجوانان کمک می‌کند (۱). کارپنتر (۲۰۰۲) در پژوهش خود طرد شدن از سوی گروه همسالان را به عنوان قوی‌ترین همبستگی با رفتارهای پرخاشگرانه نشان داد (۱۷). همچنین هیمیل، رادن و لی مارک (۱۹۹۰) و هم‌چنین رابین (۲۰۰۶) طرد شدگی از سوی گروه همسالان را مهم‌ترین علت مشکلات درونی سازی شده مثل انزوا و تنهایی و برون‌سازی شده مثل پرخاشگری معرفی کردند. یکی از جنبه‌های مهم دوره نوجوانی در تعامل با همسالان، فرایند اجتماعی شدن آنها است. ذاتی بودن زندگی جمعی در انسان‌ها، ضرورت تماس با دیگران را به عنوان امری گریزناپذیر جلوه می‌دهد. رشد اجتماعی متضمن ارتباط سالم و منطبق با موقعیت در افراد است؛ به همین دلیل نوجوانانی که از ایجاد ارتباط اجتماعی با دیگران پرهیز می‌کنند و یا از طرف همسالان خود پذیرفته نمی‌شوند، به دلیل ضعف در خودکارآمدی اجتماعی چنین واکنشی از خود نشان می‌دهند (۱۸، ۱۹). خودکارآمدی از مهم‌ترین عوامل رشد در ارتباطات سالم است که زندگی فرد را لذت بخش می‌کند و او را قادر می‌سازد با فشارهای طولانی مدت مقابله کند. حس ایمن از خودکارآمدی باعث ایجاد ارتباطات اجتماعی سالم و مثبت می‌شود، در حالی که عدم خودکارآمدی فرد را به رفتارهای اجتنابی، مانند فرار و یا رفتارهای پرخطر مانند ارتباطات جنسی نامشروع و طرد از جامعه می‌کشاند و این خود باعث محرومیت فرد از تقویت‌کننده‌های مثبت اجتماعی می‌شود (۲۰). نتایج پژوهش خورشیدی و قربان فتحی (۱۳۹۶) حاکی از ارتباط و همبستگی بین خودکارآمدی و سبک‌های دلبستگی است (۲۱). همچنین پژوهش کهرآزنی و مادی (۱۳۹۶) و هم‌چنین عاملی‌پور و آذریان (۱۳۹۳) نشان دادند که فقط سبک دلبستگی ارتباط

با همسالان نقش پیش بینی کننده‌ای در خود کارآمدی اجتماعی نوجوانان دارد (۲۲، ۲۳). بنابراین خود کارآمدی اجتماعی با تاثیر پذیری از تفاوت‌های فرهنگی، تلاش‌های گروهی، عملکرد افراد را تحت تاثیر خود قرار داده و زمینه را فراهم می‌کند تا افراد بتوانند با درک قابلیت‌های همدیگر از پذیرش اجتماعی در گروه و در نهایت در جامعه بهره‌مند بشوند و به عنوان عضوی مفید و تاثیر گذار در گروه پذیرفته شوند (۲۴). علاوه بر این، به نوجوانان کمک می‌کند تا مهارت‌های تکانش‌گری اجتماعی، عملکرد بالا در روابط اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌ها و نگرش دوستانه با افراد نشان دهند و در روابط اجتماعی موفقیت آمیز عمل کنند (۲۵). این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان در پیش بینی پرخاشگری و خود کارآمدی اجتماعی نوجوانان مراجعه کننده به مراکز درمانی شهر زاهدان انجام شد و امید است تا گامی در حل مسائل این گروه از افراد جامعه برداشته شود.

مواد و روشها

این پژوهش تحت نظارت دانشگاه سیستان و بلوچستان در مراکز خدمات مشاوره‌ای و روانشناسی با شناسه اخلاق IR.USB.REC.1399.022 انجام شد. این مطالعه از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی (پیش بین) است و از لحاظ هدف کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش کلیه نوجوانان مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره‌ای و روانشناسی جهت درمان، در شهر زاهدان است که برابر آخرین آمار بالغ بر ۱۹۰ نفر هستند که با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه ۱۲۲ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری به صورت در دسترس بود.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان است که توسط ارمسدس و گرینبرگ (۱۹۸۷) به منظور ارزیابی تصور نوجوانان در مورد ابعاد مثبت و منفی عاطفی / شناختی رابطه با والدین و دوستان صمیمیشان، بر پایه نظریه دلبستگی بالبی ساخته شد. این آزمون دارای سه زیر مقیاس میزان اعتماد، کیفیت رابطه و میزان خصومت و احساس بیگانگی در رابطه با والدین و گروه همسالان است. این پرسشنامه دارای سه بخش است که بخش اول و دوم آن میزان دلبستگی به والدین را به طور مجزا ارزیابی می‌کند و بخش سوم مربوط به دلبستگی به دوستان است که دارای ۲۵ عبارت است. طیف نمره گذاری این آزمون هم براساس لیکرت ۵ درجه‌ای از همیشه (۵) تا هرگز (۱) است. پایایی بازآزمایی این آزمون در فاصله ۳ هفته بر

روی نوجوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله برای مقیاس دلبستگی به والدین ۰/۹۳ و دلبستگی به همسالان ۰/۸۶ بود. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس برای دلبستگی به مادر ۰/۸۷، دلبستگی به پدر ۰/۸۹ و دلبستگی به همسالان ۰/۹۲ به دست آمده است و برای روایی مقیاس‌های مشابه از جمله خود پنداره، مقیاس محیط خانوادگی با این آزمون سنجیده شد و نتایج، حاکی از اعتبار هم‌زمان این آزمون بود.

برای سنجش پرخاشگری از پرسشنامه پرخاشگری باس و پری که در سال ۱۹۹۲ تهیه شد، استفاده شد. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است که شامل ۲۹ عبارت و چهار زیر مقیاس است که عبارت از پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت است. آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای از کاملاً شبیه من است (۵)، تا حدودی شبیه من است (۴)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۳)، تا حدودی شبیه من نیست (۲)، تا به شدت شبیه من نیست (۱) پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب بازآزمایی برای چهار زیر مقیاس با فاصله ۹ هفته ۰/۸۰ تا ۰/۷۲ و همبستگی بین چهار زیر مقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ به دست آمده است. جهت سنجش اعتبار درونی مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشانگر همسانی درونی زیر مقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۸۰ بود و همچنین این پرسشنامه روی ۴۰۰ دانش آموز مهاجر و غیرمهاجر توسط لنگری در سال ۱۳۸۷ اجرا شد که ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرخاشگری فیزیکی، کلامی، خشم و خصومت به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۵۸، ۰/۷۶ و ۰/۶۴ و ضریب آلفای کل نمرات پرسشنامه برابر با ۰/۷۰ بود.

پرسشنامه دیگری که در این پژوهش استفاده شد، پرسشنامه خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان بود که در سال ۱۹۸۹ توسط کنلی به منظور سنجش میزان خودکارآمدی نوجوانان ساخته شد. این مقیاس یک ابزار خودگزارشی دارای ۲۵ عبارت است که آزمودنی باید در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از غیر ممکن (۱) تا بیش از حد ساده (۷) مشخص سازد که هر یک از عبارات آزمون تا چه حد معرف شخصیت او است. مقیاس خود کارآمدی اجتماعی نوجوانان دارای ۵ زیر مقیاس قاطعیت اجتماعی، عملکرد در موقعیت‌های اجتماعی، شرکت در گروه‌های اجتماعی، جنبه‌های دوستی و صمیمیت و کمک کردن یا کمک گرفتن است. به منظور هنجاریابی مقیاس خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان این آزمون بر روی سه گروه نمونه از دانش آموزان دبیرستانی اجرا شد. نمونه اول شامل ۸۷ نوجوان ۱۴ تا ۱۹ ساله، نمونه دوم شامل ۷۶ نوجوان ۱۳ تا ۱۶ ساله و نمونه سوم شامل ۷۹ نوجوان ۱۲ تا

۱۸ ساله بودند. نمره میانگین در گروه اول ۱۲۲/۲۷، در گروه دوم ۱۲۸/۷۶ و در گروه سوم ۱۱۲/۸۱ بود. ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون در گروه اول ۰/۹۰، در گروه دوم ۰/۹۲ و در گروه سوم ۰/۹۵ گزارش شده است. پایایی حاصل از روش بازآزمایی در گروه اول در یک فاصله دو هفته‌ای ۰/۹۴ بود. همچنین ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی برای مردان ۰/۸۱ و برای زنان ۰/۸۶ گزارش شده است. اعتبار سازه مقیاس خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان از طریق همبستگی با تعدادی از مقیاس‌های خودپنداره و سازگاری به اثبات رسیده است.

فرضیه‌های پژوهش در نرم افزار SPSS ۲۲ با استفاده از آزمون آماری رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

در متغیر دلبستگی نوجوانان به والدین و همسالان در مولفه اعتماد به والدین میانگین و انحراف معیار به دست آمده به ترتیب برابر با ۶۲/۳۴ و ۱۳/۱۴، مولفه ارتباط با والدین به ترتیب برابر با ۴۴/۳۶ و ۱۰/۳۷، مولفه احساس بیگانگی یا جدایی والدین به ترتیب برابر با ۴۳/۴۶ و ۷/۸۷، مولفه اعتماد به همسالان به ترتیب برابر با ۳۴/۰۹ و ۷/۸۴، اعتماد به همسالان به ترتیب برابر با ۲۹/۲۹ و ۶/۸۴ و احساس بیگانگی و جدایی از همسالان به ترتیب برابر با ۲۲/۵۷ و ۳/۷۷ بود. در متغیر پرخاشگری، میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۸۲/۵۵ و ۱۶/۷۰ و در متغیر خودکارآمدی اجتماعی به ترتیب برابر با ۱۱۱/۴۱ و ۲۴/۷۴ بود. قبل از بررسی فرضیات پژوهش، پیش فرض نرمال بودن با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و برابری واریانس داده‌های هر متغیر

با استفاده از آزمون لوین سنجیده شد و نتایج نشان داد که مقادیر معنی‌داری مربوط به آزمون‌های نرمال سنجی در تمامی متغیرهای ذکرشده بیشتر از سطح ۰/۰۵ است. بنابراین تمامی متغیرها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند و در آزمون لوین میزان معنی‌داری متغیرهای مذکور از سطح ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین فرض تجانس واریانس‌ها رعایت شده است. با توجه به جدول ۱ می‌توان بیان کرد که از میان مولفه‌های مورد مطالعه مربوط به متغیر سبک‌های دلبستگی مولفه احساس بیگانگی با همسالان در گام اول با ضریب همبستگی چندگانه $(r) = 0.354$ و مجذور ضریب همبستگی $(R^2) = 0.125$ ، با توجه به f مشاهده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است. به بیان دیگر مولفه احساس بیگانگی با همسالان ۰/۱۱ واریانس متغیر پرخاشگری را تبیین و پیش بینی می‌کند و در گام دوم مولفه احساس بیگانگی با والدین با ضریب همبستگی چندگانه $(r) = 0.426$ و مجذور ضریب همبستگی $(R^2) = 0.181$ ، با توجه به f مشاهده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است. به بیان دیگر مولفه احساس بیگانگی با والدین ۰/۱۶ واریانس متغیر پرخاشگری را تبیین و پیش بینی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که رابطه مولفه‌های احساس بیگانگی با همسالان و احساس بیگانگی با والدین با متغیر پرخاشگری رابطه مثبت و معنی‌داری است.

مطابق با یافته‌های جدول ۲ می‌توان بیان کرد که مولفه‌های احساس بیگانگی با همسالان، اعتماد به والدین، ارتباط با والدین و احساس بیگانگی با والدین به ترتیب با ضریب بتای ۰/۳۵۴، ۰/۳۱۹ و ۰/۲۴۸ اثرگذاری بیشتری بر

جدول ۱. جدول تحلیل رگرسیون (همبستگی چندگانه) برای سنجش رابطه سبک‌های دلبستگی نوجوانان به والدین و همسالان

شاخص آماری	گام‌های تحلیل	متغیر	ضریب همبستگی	مجذور ضریب	مجذور ضریب همبستگی	ضریب سطح
متغیر ملاک	رگرسیون	پیش بین	چند گانه	همبستگی چند گانه	تعدیل شده	f
پر خاشگری	گام اول	احساس بیگانگی با همسالان	۰/۳۵۴	۰/۱۲۵	۰/۱۱۸	۱۷/۱۷۳
	گام دوم	احساس بیگانگی با والدین	۰/۴۲۶	۰/۱۸۱	۰/۱۶۸	۱۳/۱۹۲

جدول ۲. ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون استاندارد برای سنجش تاثیر سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان در پر خاشگری نوجوانان

شاخص آماری	گام‌های تحلیل	متغیر پیش بین	ضریب بتای غیر	بتای خطای	ضریب بتا	ضریب t	سطح
متغیر ملاک	رگرسیون		استاندارد	استاندارد	استاندارد		معنی‌داری
گام اول	احساس بیگانگی با همسالان	۱/۵۶۵	۰/۳۷۸	۰/۳۵۴	-۴/۱۴۴	-۰/۰۰۵	
گام دوم	احساس بیگانگی با همسالان	-۱/۲۵۱	۰/۳۸۳	-۰/۲۸۳	-۳/۲۶۸	-۰/۰۰۱	
پر خاشگری	احساس بیگانگی با والدین	-۰/۴۷۱	۰/۱۶۵	-۰/۲۴۸	-۲/۸۶۰	-۰/۰۰۵	

جدول ۳. جدول تحلیل رگرسیون (همبستگی چندگانه) برای سنجش رابطه سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان با خود کارآمدی اجتماعی

شاخص آماری	متغیر گام‌های تحلیل	متغیر	ضریب همبستگی	مجذور ضریب	مجذور ضریب	ضریب	سطح
ملاک	رگرسیون	پیش بین	چند گانه	همبستگی چند گانه	همبستگی تعدیل شده	f	معنی داری
خودکارآمدی اجتماعی	گام اول	ارتباط با همسالان	۰/۱۸۲	۰/۰۳۳	۰/۰۲۵	۴/۱۰۹	۰/۰۴۵

جدول ۴. ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون استاندارد برای سنجش تاثیر سبک‌های دلبستگی به والدین و نوجوانان در خودکارآمدی اجتماعی

شاخص آماری	متغیر ملاک	متغیر پیش بین	ضریب بتای	بنای خطای	ضریب بتا	ضریب t	سطح
خودکارآمدی اجتماعی	ارتباط با همسالان	غیراستاندارد	استاندارد	استاندارد	استاندارد	معنی داری	۰/۰۴۵
		۰/۶۵۷	۰/۳۲۴	۰/۱۸۲	۲/۰۲۷		

پرخاشگری در نوجوانان دارد و سایر مولفه‌های ارتباط با والدین و اعتماد به والدین به دلیل عدم سطح معنی داری توان پیش بینی کنندگی و تبیین معنی دار برای متغیر پرخاشگری را ندارند.

با توجه به جدول ۳ می‌توان بیان کرد که از میان مولفه‌های مورد مطالعه مربوط به متغیر سبک‌های دلبستگی، مولفه ارتباط با همسالان در گام اول با ضریب همبستگی چندگانه (R^2) ۰/۱۸۲ و مجذور ضریب همبستگی (R^2) ۰/۰۳۳، با توجه به f مشاهده شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است؛ به بیان دیگر مولفه سبک هویت هنجاری ۰/۰۲۵ واریانس متغیر خودکارآمدی اجتماعی را تبیین و پیش بینی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که رابطه مولفه ارتباط با همسالان با متغیر خودکارآمدی اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری است و سایر سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان به دلیل عدم سطح معنی داری توان پیش بینی کنندگی و تبیین متغیر خودکارآمدی اجتماعی را ندارد. بنابراین می‌توان گفت که رابطه مولفه‌های اعتماد به والدین، ارتباط با والدین، احساس بیگانگی با والدین، اعتماد به همسالان و احساس بیگانگی با همسالان با خود کارآمدی اجتماعی رابطه معنی دار نیست.

مطابق با یافته‌های جدول ۴ می‌توان بیان کرد که مولفه ارتباط با همسالان با ضریب بتای ۰/۱۸۲ اثرگذاری بیشتری بر خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان دارد.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان در پیش بینی پرخاشگری و خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان مراجعه کننده به مراکز درمانی (مشاوره) انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که در گام اول

سبک‌های احساس بیگانگی با همسالان، گام دوم اعتماد به والدین، گام سوم ارتباط با والدین و در نهایت در گام چهارم احساس بیگانگی با والدین پیش بینی کننده پرخاشگری نوجوانان است این یافته با پژوهش ویلیامز کلی (۲۰۰۵)، کارپنتر (۲۰۰۲) و هیمیل، رابین، رادن و لی مارک (۱۹۹۰) همسو است. در تبیین این یافته که احساس بیگانگی با همسالان در پرخاشگری نقش پیش بینی کننده‌ای دارد، می‌توان بیان کرد که نوجوان با جدا شدن از واحد خانواده و ارتباط با همسالان به طور فزاینده‌ای نسبت به پایان کودکی خویش آگاه می‌شود. این تغییر روی آوردن به همسالان می‌تواند در افزایش چشمگیر «همنوایی» با عقاید و قضاوت‌های گروه همسالان شروع شود. در این دوره، نوجوان از یک سو به فعالیت خانوادگی کمتر علاقه مند می‌شود، حتی ممکن است تعدادی از ارزش والدهای خانوادگی را طرد یا در مقابل قدرت والدین تمرد کند و از دلبستگی وی به والدین کاسته شود و از سوی دیگر، سازش یافتگی با ارزش‌های گروه همسالان را آغاز می‌کند و دلبستگی به همسالان برای وی به عنوان نزدیکی توأم با محبت و ماندگار توصیف شده است که احساس امنیت و ارتباط خوب و پذیرش را به دنبال دارد و هنگامی که نوجوان با همسالان خود منافع مشترک پیدا می‌کند و متحد می‌شود نه تنها به دلیل دفاع از آن منافع بلکه به دلیلی نفس اتحاد با یکدیگر و دریافت بازخورد پاداش و تایید از سوی همسالان، از لذت و همدلی با آنها بهره‌مند می‌شود. اما اگر نوجوان قادر به برقراری ارتباط بین رفتار خود و پاداش کسب شده از گروه همسالان نباشد که شاید به دلیل کناره گیری از والدین و کاهش دلبستگی ایمن و خلأ آموزش والدین در زمینه مهارت در تعاملات اجتماعی باشد، نوجوان نمی‌تواند روابط صمیمانه‌ای با همسالان تشکیل دهد و دچار نوعی احساس بی‌معنایی و بی‌قدرتی و از طرف همسالان دچار طرد شدگی می‌شود و این احساس طرد شدگی و تحقیرهای مفرط از سوی همسالان که

در این دوران به عنوان چهره دلبستگی مطرح می‌شوند، باعث سازش نایافتگی و ناکارآمدی‌های روانی - اجتماعی و تضعیف مهارت‌های ارتباطی می‌شود و نوجوان برای تحقق خواسته‌های خود به انزوا و بیگانه شدن با همسالان و بروز رفتارهای پرخاشگرانه روی می‌آورد. در مورد احساس بیگانگی به والدین هم می‌توان مطرح کرد که به دلیل اختلاف بین نسلی بین فرزندان و والدین از جهت دیدگاه‌ها و نگرش‌ها و عدم گرایش فرزندان به والدین و عدم اطمینان از دسترس بودن والدین برای ارضای نیازهای دلبستگی، نوجوان نمی‌تواند والدین خویش را به طور عینی‌تری ارزیابی کند، زیرا علاوه بر اینکه نگرانه دلبستگی، برای نوجوان حمایتگر و آرامبخش نبوده، بلکه به نیازهای وی هم بی‌اعتنا است و با کاهش ارتباط با والدین، نوجوانان به واسطه مدل‌های ذهنی یا خودپنداره‌های منفی مبنی بر اینکه سزوار محبت نیستند و به دلیل عدم صلاحیت اجتماعی ممکن است طرد شوند و یا اینکه در نظر دیگران قابل اطمینان نیستند، احساسی از امنیت و ایمنی در نوجوان شکل نمی‌گیرد و در ارتباط با چهره دلبستگی، احساس انزوای بیشتری می‌کند. بنابراین نوجوان از مفهوم خود ضعیف‌تری برخوردار می‌شود و مهارت‌های کمتری در برقراری روابط حمایت‌گر دارد و دلبستگی‌اش آسیب‌دار و مبتنی بر بیگانگی خواهد بود و از آنجایی که این ناکامی خود در ارتباط با چهره دلبستگی را آشکارا نمی‌تواند بیان کند، در پی تلاش برای عدم وابستگی به والدین و انکار درماندگی، نوعی نگرش و رفتار خصمانه و پرخاشگرانه و دفاعی نسبت به والدین از خود نشان می‌دهد.

نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که فقط مولفه ارتباط با همسالان نقش پیش‌بینی‌کننده‌ای در خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان مراجعه‌کننده به مراکز درمانی دارد. این یافته با پژوهش اکبری (۹۳)، کهرآزنی و بامدی (۱۳۹۶) و عاملی‌پور و آذریان (۱۳۹۳) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که نوجوانی بطور کلی زمان اجتماعی شدن

است و در این دوره نیاز نوجوان به گروه همسالان بیشتر از گذشته می‌شود و ویژگی‌های همسالان از قبیل ویژگی‌های اجتماعی اعضای گروه همسال یا حمایت گروه همسال از رفتارهای جامعه‌پسند است که در سازگاری بهتر آنها کمک می‌کند. همچنین حضور گروه همسالان امکان مقابله با درد جدایی از والدین و مستقل شدن را فراهم می‌کند. بنابراین رابطه نوجوانان با همسالان خود می‌تواند سهم به‌سزایی در رشد اجتماعی و عاطفی آنان داشته باشد. به بیانی دیگر، تعاملات سازنده و مؤثر با گروه همسالان منجر به این مهارت می‌شود که نوجوان مهارت‌ها و توانایی بسیاری را کسب کند و کارآمدی بیشتری را در بافت اجتماعی تجربه کند. درنهایت از طریق خودکارآمدی اجتماعی است که نوجوان می‌تواند ارتباطات اجتماعی خود را لذت بخش سازد. حس خودکارآمدی اجتماعی در ارتباط با همسالان باعث ایجاد روابط اجتماعی مثبت می‌شود، درحالی که فقدان این سازه، فرد را به کناره‌گیری و بیگانگی اجتماعی سوق می‌دهد و هم‌چنین باعث می‌شود نوجوان از سوی همسالان خود پذیرفته نشود؛ در نتیجه این تجارب منفی روی ادراک آنها از توانمندی خویش در ایجاد و حفظ روابط دوستانه و مدیریت مطلوب در تعامل با همسالان اثر گذاشته و باعث می‌شود که این نوجوانان در موقعیت‌های تعاملی، به پاسخ‌های مناسب کمتری دسترسی داشته باشند و بیشتر از رفتارهای اجتنابی استفاده کنند و در این صورت آمادگی ابتلا به انواع مشکلات رفتاری و عاطفی در نوجوانان به وجود می‌آید.

تشکر و قدر دانی

در پایان نویسندگان بر خود لازم می‌دانند کمال تشکر و قدردانی را از تمام کسانی که در این مطالعه همکاری و همیاری کردند، ابراز دارند.

REFERENCES

1. Salehzadeh M, Falahi M, Rahimi M. The role of family function in peer attachment and academic performance in predicting adolescent girls' happiness. *Positive Psychol Res* 2016; 20: 65-72. [In Persian]
2. Groosifarsh M, Mani A, Bakhshipour A. Examining the relationship between personality and emotional characteristics among students of Tabriz University. *Tabriz Uni J Psychol* 2006; 1: 143-158. [In Persian]
3. Masterson JF, Editor. Treatment of the borderline adolescent. A developmental approach. New York: Wiley-Interscience; 1972.
4. Ly T. The relationship between adult attachment style, hostile attribution, bias, and aggressions [MA thesis]. USA: University of North Carolina; 2010.
5. Bashiri Khatibi B, Fakhraee S. Social and cultural factors influencing family violence in Tabriz. *J App Sociol* 2013; 24: 221-233. [In Persian]

6. Shafipour SZ, Sadegh R, Jafarisl M, Kazemnejad Leily E. Aggression in various attachment styles in adolescents. *J Comprehensive Nurs Midwifery* 2016; 81: 55-64. [In Persian]
7. Lotfabadi H, Editor. *Growth Psychology*. Tehran: Growth Publication; 2000. [In Persian]
8. Sachadi M, Sarabian S, Sharifi Daramadi P. A comparison of adolescent aggression based on parenting and parent-child attachment styles. *Scientific Journal of the Medical Council of the Islamic Republic of Iran (MJIRI)* 2013; 31: 298-306. [In Persian]
9. Fakharinegad S. The comparing of rate of aggression in kinds of attachment styles. *J Educ Psychol* 2010; 40: 59-72. [In Persian]
10. Nevels RM, Dehon EE, Alexander K, Gontkovsky ST. Psychopharmacology of aggression in children and adolescents with primary neuropsychiatric disorders: a review of current and potentially promising treatment option. *Exp Clin Psychopharmacol* 2010; 18:184-201.
11. Crawford TN, Shaver PR, Cohen P, Pilkonis PA, Gillath O, Kasen S. Self-reported Attachment, Interpersonal Aggression, and Personality Disorder in a Prospective Community Sample of Adolescents and Adults. *J Pers Disord* 2006; 20:331-351.
12. Shaver PR, Mikulincer M. What do self-report attachment measures assess? *Attach Hum Dev* 2002; 4: 243-257.
13. Shariati M, Fazilatpour M, Hassanchary M. The mediating role of social self-efficacy in the relationship of attachment to peers and parents with loneliness among high school students. *J Educ Learn Studies* 2016; 8: 7-49. [In Persian]
14. Tahmasian K, Anari A, Karamloo S, Shafieetabar M. The experience of depression and rejection by peers in adolescents with chronic diseases. *Iran J Psychol* 2009; 6: 7-14. [In Persian]
15. Willemse M, Van Wyk SB, Smith MR. Exploring the relationship between self-efficiency and aggression in a group of adolescents in the peri-urban town of Worcester [MA thesis]. South African: University of Stellenbosch; 2008.
16. Mehrabizadeh Honarmand M, Shahni Yeylagh M, Fathi K. Examining depression, excitement-seeking, attachment styles, and socioeconomic status as the predictors of drug addiction among male adolescents in Ahvaz. *J Edu Sci Psychol* 2008; 15: 153-178. [In Persian]
17. Carpenter EM. A curriculum-based approach for social cognitive skills training an intervention targeting aggression in heat start preschools [PhD thesis]. USA: The University of Maine; 2002.
18. Rubin KH, Bukowski W, Parker J. Peer interactions, relationships, and groups. In: Eisenberg N, Editors. *Handbook of child psychology*. New York: Wiley; 2006. P.894-941.
19. Hosseinchari M. The relationship between some demographic variables and students' self-efficacy in peer interaction. *Iran J Psychiatry Behav Sci* 2008; 14: 184-191. [In Persian]
20. Bandura A. A socio-cognitive analysis of substance abuse: An agentic perspective. *J psychol Sci* 1999; 10: 214-217.
21. Khorshidi F, Fathi Aghdam F. The relationship of general self-efficacy and attachment styles with body image among female students. *J Psychiatric Nurs* 2017; 6: 26-33. [In Persian]
22. Bamdi N, Kahrazei F, Kord Tamini B. The relationship of identity styles and attachment to parents and peers with social self-efficacy among the third-grade junior high school students in Zabol [MA thesis]. Zahedan: University of Sistan and Baluchestan; 2013. [In Persian]
23. Azarian A, Amelipour N. The relationship of attachment to parents and peers with social self-efficacy among female adolescents. *The First National Congress of Family Psychology: A Step towards Designing a Family Model*. Tonekabon: Islamic Azad University; 2014. [In Persian]
24. Tolabi Z, Karimi Sh. The relationship between cultural intelligence and social self-esteem. *J Culture* 2012; 2: 445-446. [In Persian]
25. Mohammadnejad Bahrami GM, Rahimi E. The effectiveness of metacognitive strategies training on social adjustment and social self-efficacy among high school students in Naghadeh. *Sci J Educ Evaluation* 2016; 9: 65-81. [In Persian]